

معرفی واژگان تخصصی

تفهم [۱]

نوشته‌ی: بهروز رضایی منش

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

مفهوم تفهم را نخستین بار "درویسن" [۲] مورخ آلمانی در حدود ۱۸۵۰ به کار گرفت؛ اما به‌طور رسمی ماکس وبر بود که این مفهوم را به عنوان یک روش در علوم انسانی ارائه کرد. معادل انگلیسی این لغت understanding است که رابطه‌ای با مفهوم "تفسیر" دارد [۳]. ژولین فروند نیز آن را معادل علیت در علوم تجربی بیان کرده است. [۴]

تفهم روشی در علوم انسانی است که می‌کوشد معانی را از "دید فاعلان" بازسازی کند. دیلتای فیلسوف شوکانتی معتقد است [۵] تفهم عبارت است از "تجربه مجدد ذهنیت فاعلان به مدد قوه خیال" ویتگنشتاین نیز تمایزی قاطع میان علت و دلیل" قائل می‌شود: دلیل متعلق به عرصه‌ی معرفت است و علت متعلق به عرصه‌ی تجربه [۶]. بنابراین هدف علوم انسانی فهم این نکته است که متن یا شبه متن واقعاً چه معنایی برای فاعلان دارند. پیروان هایدگر نیز معتقدند [۷] "فهمیدن" همان تفسیر کردن است و تفسیر کردن ویژگی کل فعالیت‌های انسانی (و از جمله علوم طبیعی) است.

سؤالی که روش تفهمی درصدد پاسخ دادن به آن است این است که فاعلان جهان اجتماعی چه درکی از خویش دارند [۸]. برخی فهمیدن به معنای بالا را در برابر "تبیین" قرار داده‌اند. تبیین کوششی برای کشف علل و پاسخ‌گویی به چرایی‌ها از منظری بیرونی و در پرتو قوانین کلی است. در حالی که، برای "فهمیدن" باید از منظری درونی اقدام به پرده‌گشایی از معنا یا معانی یک فعل یا عبارت فاعلی نمود. از این دیدگاه، تفاوت میان علوم طبیعی و علوم انسانی هم روش شناختی و هم موضوعی است [۹]. اگر داده‌ها در علوم طبیعی با تکیه زدن به "نظریه"، آغشته به تفسیر است، در علوم انسانی آغشته بودن به تفسیر مضاعف است. علوم انسانی درصدد تبیین واقعیت اجتماعی نیست، بلکه قصد دارد تا از معانی، متون و شبه متون آگاهی به دست آورد [۱۰]. افعال فاعلان جهان اجتماعی و روابط اجتماعی جملگی آنان شبه متون‌اند که معنایی برای آدمیان دارند، متون ساکت‌اند و این انسان است که آن‌ها را به صدا درمی‌آورد و لباس معنا به تن آن‌ها می‌پوشد [۱۱]. در این باره ماکس وبر بر این باور است که در علوم اجتماعی باید از فهم و تبیین توأم استفاده کرد [۱۲].

از نوشته‌های وبر چنین برمی‌آید که برای فهمیدن رفتار انسانی، روش‌های مرسوم در علوم تجربی کفایت نمی‌کند. دلیل او این است که روش‌های علوم تجربی صرفاً توانایی بررسی روابط بیرونی پدیده‌ها را دارند. در حالی که، موضوع تفهمی، فهم روابط درونی پدیده یعنی کردارها و روابط اجتماعی می‌باشد که از راه تجربه‌ی زیست شده فرد با بازسازی ذهن و بر پایه همدلانه به وجود می‌آید [۱۳].

روش تفهمی می‌خواهد معنایی را فهم کند که بر اساس آن افراد انسانی به کردار خود جهت می‌دهند. اما روش فهم معنا چه گونه است؟ به نظر وبر [۱۴] برای ما این امکان وجود دارد تا تجربه‌های دیگران را بفهمیم چرا که خود ما در معرض تکرار آن هستیم. به طور مثال، ما به سهولت می‌توانیم از راه همدلی کردن، احساسات و واکنش‌های غیرعقلایی چون ترس، حسادت و انتقامجویی را بفهمیم. باید توجه نمود که منظور وبر از تفهم صرفاً یک روش روان‌شناختی نیست، او روش تفهمی را به عنوان یک فرآیند ساده روانی نمی‌پذیرد. بلکه آن را روشی منطقی می‌داند برای دریافت معنایی که از نظر ذهنی در جریان یک رفتار عینی و ملموس مورد نظر عمل‌کننده بوده است. در هر حال وضعیت روش تفهمی این است که تبدیل به وسیله‌ای کمکی

برای پرده برداری از معانی عمل عاملان اجتماعی شده و یافته‌های آن بایستی از راه آزمون‌های علی و یا آماری تأیید شود. به این ترتیب، یافته‌های تفهمی مورد داوری آزمون‌های تجربی قرار می‌گیرند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و ماخذ

1. Verstehen (فرشتهن)
2. Johann Gustav Droysen (1808 - 1884).
3. Interpretation
4. عبدالکریم سروش، "درسهایی در فلسفه‌ی علم الاجتماع"، نشر نی، ۱۳۷۴، ص ۲۰۷.
5. ژولین فروند، "جامعه‌شناسی ماکس وبر"، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، نشر ایزن، ۱۳۶۸، ص ۱۰۲.
6. سروش، "همان"، ص ۱۲۷.
7. بابک احمدی، ساختار و تأویل متن، جلد دوم، چاپ سوم، نشر مرکز، ۱۳۷۵، ص ۵۳۶.
8. جیمز بومن، "تفهم"، ترجمه‌ی ابراهیم سلطانی، مجله‌ی راه نو، شماره‌ی ۲، ۱۳۷۷، ص ۲۴.
9. بهروز رضایی منش، "پارادایم تفسیری و مطالعه سازمان"، فصلنامه مطالعات مدیریت، پائیز ۷۳، شماره‌ی ۱۵، ص ۴۲.
10. ژولین فروند، "نظریه‌های مربوط به علوم انسانی"، ترجمه علی محمد کاردان، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۸.
11. عبدالکریم سروش، "قبض و بسط تئوریک شریعت"، صراط، ۱۳۷۰، ص ۹۶.
12. ژولین فروند، ۱۳۶۸.
13. ژولین فروند، ۱۳۷۲، ص ۱۱۲.
14. ژولین فروند، ۱۳۶۸، ص ۱۰۹.